

گمانه‌زنی‌های معنوی پیرامون مهمانی رمضان

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزهداری» اثر حجت الاسلام پناهیان اخیراً به چاپ هفتم رسید. به این بهانه، در نیمه پایانی و روزهای اوج این ضیافت الهی، گزیده‌هایی از این کتاب را در چند بخش مستقل منتشر می‌کنیم. **بخش اول از این گزیده را در ادامه می‌خوانید:**

۱. شاید یک فرصت آشنایی برای غریبه‌ها

رمضان شاید یک فرصت آشنایی است، برای ما غریبه‌هایی که از عالم حضور و تقرب دوریم و با احوال آشنایان و عاشقان بیگانه. پس اگر در ضیافت، آشنایی حاصل نشد بهتر است خود را معطل نکنیم و شغل دیگری غیر از آدم شدن اختیار کنیم. وقتی در خانه‌ایم به خدمت صاحب‌خانه نمی‌رسیم، می‌خواهید در خیابان از شرم حضورش به او خدمت کنیم؟

شاید رمضان برای ما که با او آشنایی داریم، محلی باشد که خدا خواسته است به واسطه این ضیافت، خود را به نزدیک‌تر بیاییم. مایی که پس از هر غفلت و معصیتی، اولین ضربه‌ای که می‌خوریم این است که فکر می‌کنیم از نظر خدا افتاده‌ایم و او دیگر ما را دوست ندارد و به ما نگاه نمی‌کند؛ و کسی هم نمی‌تواند به سادگی ما را متقاعد کند که همیشه خدا نگران ماست و ما را دوست دارد و ما او را هنوز از دست نداده‌ایم، شاید فضای مهمانی بتواند باور ما را نسبت به مهربانی خدا بهتر کند و امید ما را به بهتر شدن بیشتر نماید.

ما که با هر گناه، اولین بلایی که سر خود می‌آوریم این است که خود را از رحمت خدا «مأیوس» می‌کنیم، و راه بازگشت را به روی خود می‌بندیم، در ضیافت، بدون کسب لیاقت هم می‌توانیم به یک پذیرایی خوب «امیدوار» باشیم و از اکرام خدا احساس گرمی بودن بکنیم، که همین مایه کسب بسیاری از فضائل خواهد بود و سرمایه بسی از فوائد خواهد شد.

۲. شاید بناست محترم شویم، تا خود را محرم احساس کنیم

شاید بناست در مهمانی محترم شویم، تا خود را کمی محرم احساس کنیم و معاصی را بر خود حرام سازیم و مانند حاجیان که در بدو ورود به خانه خدا احرام می‌بندند، محرم گردیم و از وصال خوبان محروم نماییم. شاید می‌خواهد به ما بگوید که ما هم می‌توانیم محرم اسرار باشیم و مقرب دربار ربوبی گردیم. چون بسیاری اوقات ما چون خود را آدم حساب نمی‌کنیم هر غلطی را مرتکب می‌شویم، و چون خود را ناتوان می‌دانیم هیچ اقدامی نمی‌کنیم.

۳. برای اینکه احساس غریبی نکنیم

البته ضیافت برای این هم هست که ما احساس غریبی نکنیم و از صاحب‌خانه فرار نکنیم و کمی در کنار او قرار بیاییم. **خدا هر چه ایستاد و صبر کرد که ما در طول سال، خود به سمت او بیاییم، نیامدیم؛ پس او خود ما را مهمان کرد که این انس ایجاد شود و وحشت زدایی تحقق پیدا کند، تا در آینده بلکه این خاطره خوش، ما را به سوی او بازگرداند و ما را برای تکرار یک تجربه شیرین به مراجعت بکشاند.**

۴. شاید فرصتی است برای نمایش بخشندگی میزبان

احتمال هم دارد که میزبان می‌خواهد ظرفیت بخشندگی و بنده‌پروری خود را به نمایش بگذارد تا ما هم نشان بدهیم برازنده بخشودگی و بندگی او هستیم. او می‌خواهد در سرسرای بارگاه ربوبی، خدایی خود را به رخ بکشد، و از ما می‌خواهد پرستش و پرواز خود را به سوی بالا بلند مقام او به دیده ملائک بیاوریم. این نمایش، هم از جانب او دلرباست و هم از جانب ما زیبا. و رؤیت این زیبایی‌ها رزق و روزی اهل تقوا و دیانت است.

۵. آغاز یک آشنایی یا التیام درد عاشقی

و شاید هم مهمانی برای رفع غریبی و دلتنگی ما باشد، که خدا خوب می‌داند در دوری از نیستان حضور او، نیک به تنگ آمده‌ایم و نینوایی در نی وجود ما برپا شده است. همچنان که مهمانی برای بعضی‌ها سبب آغاز درک و آشنایی است، برای بعضی‌ها هم سبب التیام درد عاشقی و دلدادگی است.

۶. فرصتی برای فاصله گرفتن از دیگران و درک تنهایی خود

شاید هم می‌خواهد کمی از دیگران فاصله بگیریم تا تنهایی خود را باز یابیم و از آلودگی‌هایی که در جریان ارتباطها نصیبمان شده است، کم نماییم. یعنی می‌خواهد با او انس بگیریم که علامت انس گرفتن با خدا فاصله گرفتن قلبی است از مردم. مگر امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «تَمَرَةُ الْأُنْسِ بِاللَّهِ الْإِسْتِيحَاشُ مِنَ النَّاسِ؛ نتیجه انس با خدا، وحشت از (انس با) مردم است.» (۱)

۷. زمینه‌ای برای آشنایی با یکدیگر

احتمال هم دارد بخشی از ضیافت برای آشنایی ما با یکدیگر ترتیب داده شده باشد. **ما آدم‌ها وقتی از هم بدجوری فاصله می‌گیریم؛ گویی از خودمان هم جدا می‌شویم. و وقتی دل‌هایمان به هم نزدیک‌تر می‌شود، گویا بیشتر به خود می‌آییم و بهتر به خدا می‌رسیم. با تکبرمان نسبت به هم تواضعمان به خدا کم می‌شود و با مهربانیمان به یکدیگر خدا به ما مهربان‌تر می‌شود. در یک مهمانی وقتی مهمانان دور صاحب‌خانه جمع می‌شوند، در واقع گردهمایی می‌کنند و به هم نزدیک‌تر می‌شوند.** البته این جلوت با آن خلوت مذکور در قبل تعارضی ندارند.

سفارش‌های پیامبر اکرم (ص) درباره مهربانی مؤمنان با یکدیگر در این مهمانی معنوی انسان را به تعجب وا می‌دارد. گویی این ضیافت جز یک آشتی‌کنان برای مهمانان چیز دیگری نیست؛ و تمام فلسفه این مهمانی، همین مهربانی بوده است. می‌فرمودند:

«وَتَصَدَّقُوا عَلَيَّ فُقَرَائِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ وَوَقَرُوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَاحْفَظُوا أَسِنَّتَكُمْ وَغَضُّوا عَمَّا لَا يَجِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ وَ عَمَّا لَا يَجِلُّ الْأَسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ وَ تَحَنَّنُوا عَلَيَّ أَيُّهَا النَّاسُ يُتَحَنَّنْ عَلَيَّ أَيُّهَاكُمْ.» (۲)

«به فقراء و مستمندانتان صدقه دهید. بزرگ‌ترهائیتان را احترام کنید و به کودکانتان محبت بورزید. به خویشانان نیکی کنید و زبانتان را حفظ نمایید و دیدگانتان را از آنچه نگریستن بر آن حلال نیست، بیوشانید و گوش‌هایتان را از آنچه شنیدنش حلال نیست، باز دارید، و به ایتمایم دیگران محبت کنید تا به ایتمایم شما محبت کنند.»

«أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خَلَقَهُ كَانَ لَهُ جَوَازاً عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَرُلُ فِيهِ الْأَفْدَامُ وَمَنْ خَفَفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرُّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ.» (۳)

«ای مردم هر که در این ماه خوی خود را نیکو گرداند، از صراط بگذرد در آن روز که قدم‌ها بر آن بلغزد. و هر که بر زبردستانش سبک گیرد، خداوند حساب او را آسان کند. و هر که شرّ خود را در این ماه از دیگران باز دارد، خداوند در روز قیامت غضبش را از او باز می‌دارد. و هر که یتیمی را گرامی دارد، خداوند در روز قیامت او را گرامی دارد. و هر که به خویشانش نیکی کند، خداوند در روز قیامت به او نیکی کند؛ و هر که از خویشانش منقطع شود، خداوند در قیامت رحمتش را از او قطع کند.»

۸. لحظاتی در کنار اولیای خدا ...

اما قوی‌ترین احتمال برای غرض اصلی این ضیافت و یا به تعبیر دیگر مهم‌ترین فایده این مهمانی آن است که ما با اولیاء خدا که خانه‌زادند و نمک پرورده، عبد خدایند و عزیز او، سفره‌داران ضیافت دربارند و ساقیان شرب طهور، مأموران به پذیرایی از مهمانان‌اند و مأنوسان با ذکر میزبان، لحظاتی را در کنار هم باشیم. و الا خدا که همیشه با ما هست و ما هم همیشه مهمان او هستیم.

گویا او خواسته است فاصله ما را با دوستان خاص خود کم کند، تا با نور ایشان راه یابیم و در حضور اینان راه برویم. تا در وجود خوبان بر قلوب ما تجلی کند و در وجوه خوب‌رویان از ما دلبری نماید. تا با نشان دادن ولیّ خود، تمام مقصود خود را از هدایت ما و نزول قرآن بیان کند، و با نشانیدن ما در مکتب ولایت، نعمت خود را به اتمام رساند.

تا هم ما را به حبّ آنان امتحان کند و هم ایشان ما را به حبّ خدا مبتلا کنند. تا هم ما اسوه‌های گم کرده خود را باز یابیم و هم آنان ما را در کنار خود بیابند که بتوانند ما را به لطف خود نوازش کنند. چون هر چقدر ما به آنان محتاج‌تریم، بیش از آن، آنان به ما مشتاق‌ترند.

اگر این سخن عین صواب نیست، پس چرا شب قدر این ضیافت، شب نزول به یکباره قرآن است؟ مگر آن همه کلام را به یکباره گفتن، مثل این نیست که خداوند با نشان دادن ولیّ خود به اهل عالم، به یکباره بگوید آنچه می‌خواستیم تماماً همین است؟ اگر این سخن به صواب نیست، چرا همه امور و تقدیرات سالانه بندگان، یعنی مهمانان، باید به اطلاع و امضاء ولیّ خدا برسد؟ و چرا امیرالمؤمنین خود فرمودند:

«أَنَا صَلَوةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ صِيَامُهُمْ؛ مِنْ نَمَازِ مُؤْمِنَانِمِ وَ رَوْزَةِ إِيشَانِمِ» (۴)؟

پاسخ این حرف‌های نگفتنی معلوم است. البته تحقیق بیشتر درباره این نکات را در مباحث مربوط به معارف ولایی جستجو و پیگیری نمایید و هم‌اکنون گفتگو را رها کرده، به خود مراجعه کنید و خود را امتحان کنید. به سادگی در می‌یابید که در ضیافت رمضان، خود را به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نزدیک‌تر احساس می‌کنید و بیشتر علاقه‌مندید. پس در این مهمانی خود را ملازم ایشان قرار دهید و از کنار یادشان جایی نروید که ضرر خواهید کرد.

۱. غررالحکم، ص ۱۹۹، فی عبادة الله، ح ۳۹۴۹.

۲. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۹۵، باب ۲۸، ح ۵۳.

۳. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۹۵، باب ۲۸، ح ۵۳.

۴. تفسیر انوار العرفان، ج ۲ ص ۵۳۳، ذیل آیه ۱۱۵ از سوره بقره.

